



رهبر معظم انقلاب، مفهوم آتش به اختیار یا رمضان امسال در جمع دانشجویان با مخاطب قرار دادن جوان‌های دانشجو و افسران جنگ نرم در حوزه فرهنگ و مسائل اجتماعی در راستای حل معضلات این حوزه بیان فرمودند. بیان این موضوع با کنش‌ها و واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شد؛ عده‌ای با دید مثبت نسبت به آن، این موضوع را عاملی جهت برطرف شدن این معضلات دانستند و در جایی که مراکز تصمیم‌گیر، بنا به دلایل مختلف با اقدام نمی‌کنند(حالت سکون) یا اقدام ناقصی انجام می‌دهند یا حتی اقدام اشتباه صورت می‌گیرد؛ این بیان را استراتژی جدیدی در راستای بهبود وضعیت در حوزه فرهنگ و مسائل اجتماعی دانستند و عده‌ای با دید منفی نسبت به آن، ایسن موضوع را عامل زیر پا گذاشتن قوانین و برخی اقدامات خودسرانه عنوان کردند. در این مجال این موضوع از دید سایبرنتیکی مورد بحث قرار می‌گیرد که

رویکردی است برای شناخت و درک مسائل پیچیده، جامعه‌ما، جامعه‌های است که یک سیستم پیچیده (Complex System) به حساب می‌آیند و از سایبرنتیک می‌توان برای کمک به فهم، تحلیل و

سینه‌راه: اساسی‌ترین چالش پیش روی جمهوری

اسلامی از بدو پیروزی انقلاب تاکنون، نظام‌سازی مبتنی بر فلسفه شکل‌گیری و پیدایش انقلاب اسلامی بوده است؛ چالشی که از ابتدا بسان فرصتی شگرف در اختیار انقلابیون جهت تحقق آرمان‌های دین و انقلاب، بوده و در طول زمان به هر آن نسبت عدم موفقیت، از حوزه نظر تا بسط در وادی عمل، بسان تهدیدی هر روز سهمگین‌تر. نه قصد و نه امکان آن است تا با طرح اسنادلاردهایی کمی، به اندازه‌گیری میزان موفقیت جمهوری اسلامی در این حوزه اساسی بپردازم. بنا بر دلایل متعدد- که مجال طرح آن اینجا نیست- آنچه تا اطلاع ثانوی تهدید اصلی است نسختن نظام الزام به معنای تغییر رژیم، بلکه خطر مخرب‌تر و اصلی تغییر رفتار جمهوری اسلامی است به گونه‌ای که جز پوسته‌ای ظاهری از آن باقی نماند. در نظامی که براساس وحدت کلمه و اجماع عملی روی مفاهیمی همچون «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه جمهوری اسلامی» شکل می‌گیرد و در نهایت طی یک فرآیندوم، اکثریت قریب به اتفاق مردم به «جمهوری اسلامی» آری می‌گویند؛ به طور طبیعی انقلابیون باید توانایی نظام‌سازی در حوزه‌هایی همچون اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و سیاست را با نفی شرق و غرب؛ مبتنی بر مبانی اسلام داشته باشند. پس از انقلاب، قانون اساسی با سر عتی قابل قبول تدوین و تفکیک قوا و سلسله مراتب و حدود و نفور اختیارات سران قوا و شخصیت‌های حقوقی به تدریج به شکل امروزین خود نزدیک می‌شود تا در حالت کلی نظامی مبتنی بر مرسئالاری دینی شکل گیرد اما قاعدا این همه ماجرا نبوده و نیست. اداره کشور نیاز به الگو و طرح و برنامه مرتبط با امور اساسی مردم دارد. مثلا در اقتصاد تبیین اهداف و استراتژی‌ها و سیاست‌های کلی و برنامه‌های عملیاتی و تعیین و تبیین مناسبات در زمینه‌های مالکیت و ثروت و دارایی و منابع و پیشرفت و رشد و درآمد‌های ملی و بازار سرمایه و بورس و بانک و پول و… و نسبت آنها با تولید و صنعت و تجارت و بازرگانی و… و مردم و دولت و…

- از همان ابتدا منازعات نظری فراوانی برخاسته از تلقی‌های متفاوت پیرامون این مناسبات وجود داشته است که به باور من ریشه اصلی آن فهم و درک متفاوت آنها از دین و میزان نقش شریعت در زندگی فردی و به خصوص اجتماعی است. -از همان ابتدا عده‌ای حداکثر نقشی که برای خدا قابل بودند، آفریدگاری بوده و عده‌ای دیگر حدود شریعت را در مناسبات سیستمی، صرفا مناسبات راعرفی قلمداد می‌کردند.

-دست‌های دیگر به کوشش شرعی می‌پرداختند تا برای تئوری‌های مطلوب‌یشان به هر زور و ضریبی که شده توجیه شرعی بیابند.

-گروهی سعی می‌کردند مبانی و آموزها و احکام شرعی را به میل و رای خود گاهی نحیف و کمزنگ و

گرایش به بی‌ثبات: برای اینکه نظام‌ها، شخصیت و هویت خود را از دست ندهند و تعادل و نظم در آنها برقرار بماند، نیازمند تعادل نیروها و جریان‌های ورودی و خروجی هستند که به آن هموستاستیس (Homeostasis) یا حالت پابرجایی می‌گویند.

۴- گرایش به بی‌نظمی و گرایش به فنا(انترویی): بی‌نظمی حالتی است که در همه سیستم‌ها وجود دارد. اگر نظام(سیستم) به حال خود رها شود و هیچ داده یا انرژی‌ای از عوامل کنترلی و بیرونی دریافت نکند، رو به بی‌نظمی خواهد رفت که گسترش آن منجر به نابودی نظام می‌شود.

۵- تطبیق (Adaptation): تطبیق نظام با مولفه‌های متغیر که مبتنی بر یادگیری نظام نسبت به آن مولفه‌ها و تلاش برای تطابق با اثرات بیرونی مولفه‌هاست.

۶- بازتاب (Reflexion): اندیشیدن و تعمق توسط عناصر نظام نسبت به عملکرد خود در راستای بهبود و توسعه

۷- منش (Ethos): ارزش‌ها و هنجارهای حاکم در یک نظام اجتماعی

۸- ناظر (observer): یکی از عناصر کلیدی هر نظام، ناظران آن نظام هستند که ۲ وظیفه‌ارائه بازخورد (ارزبایی) نسبت به عملکردهای انجام شده و ارائه پیشنهادات و پیشگویی آینده را بر عهده دارند. ناظران می‌توانند اعضای یک جامعه بوده و دارای سطوح‌های مختلفی باشند. شاید بتوان افراد استراتژیست هر جامعه در هر حوزه را به عنوان ناظران سطح بالای آن نظام نام برد.

۹ – بازخورد(Feedback): نظر ناظران نسبت به رفتارها و عملکردهای گذشته صورت گرفته در یک نظام اجتماعی

۱۰- پیشنهادات برای آینده، پیشگویی (feedForward): نظر ناظران در خصوص پیشنهادهاتی جهت بهبود عملکرد در آینده یا حتی پیشگویی اتفاقات آتی

## تأملات

**نگاهی سیستمی به فرمان رهبر انقلاب در حوزه فعالیت‌های فرهنگی خودجوش**

# آتش به اختیار باید‌ها و نبایدها

- جواد تقی‌زاده

۱۱- مرکز کنترل و راهبری: هر نظام می‌تواند سطحی (حداقلی یا حداکثری) از این مرکز را داشته باشد که وابسته به نوع نظام متفاوت است که در نظام‌های اجتماعی تأکید بر حداقلی بودن این مرکز و توزیع‌شدگی وظایف کنترلی و راهبری و به عبارتی خودسازماندهی و خودکنترلی اجزاست.

۱۲- خودسازماندهی: رفتارهایی که از عناصر و سازه‌های یک نظام در حال تحول و رشد حاصل می‌شود.

۱۳- خودمختلاری (Autonomous): عناصر یک نظام اجتماعی دارای سطوح مختلفی از اختیار هستند. با آشناشدن با این مفاهیم به صورت خلاصه می‌توان گفت در یک نظام سایبرنتیکی اجزای نظام (زیرنظام‌ها، اعضا و ناظران و در مرکز کنترل) در تعامل با یکدیگر به صورت حالت متوازنی از تطبیق و تکامل جهت رسیدن به هدف (که اهداف براساس منش یا سیستم می‌شود) هستند ولی در این میان گرایش به بی‌نظمی توسط برخی عوامل و عدم کنترل بی‌نظمی‌ها می‌تواند حتی منجر به نابودی و فزای نظام شود. در ادامه، مفهوم «آتش به اختیار» مبتنی بر مفاهیم و اصول سایبرنتیک، مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظام اجتماعی ما یک نظام در حال تطور، رشد و تحول است. «آتش به اختیار» را با توجه به تعریف و اهداف تعیین شده برای آن، می‌توان رویکردی متعالی مبتنی بر مفاهیم سایبرنتیک در حوزه اجتماعی دانست. نتیجه مفهوم بازتاب (Reflexion) مبتنی بر منش(Ethos) عاملان و ناظران موجود در نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه ما را در مقام عمل و به عنوان جایگزین و برطرف‌کننده نواقص بخش‌هایی از

مرکز(های) کنترل و راهبری در یک نظام سایبرنتیکی بیان می‌کند که یکی از این نواقص می‌تواند حالت سکون بیش از حد در بخشی از این مراکز باشد. با این تعبیر می‌توان به این صورت تفسیر کرد که «آتش به اختیار» می‌تواند منجر به بهبود عملکرد نظام در راستای رفع نواقص و رسیدن به اهداف تعیین شده (توسط مرکز کنترل و راهبری) منطبق بر ارزش‌ها و هنجارهای نظام

## تأملات

اجتماعی کشور شود که این رویکرد به صورت کل ویژگی مثبت و تکامل‌دهنده برای یک نظام به حساب خواهد آمد. چنین رویکردی که اعضای بیشتری در یک نظام به عنوان ناظر (ارزبایی‌کننده اقدامات و پیش‌بینی وضعیت آینده) یا به عنوان عملگرا به فعالیت‌هایی اقدام می‌کنند، رویکرد مثبتی در یک نظام سایبرنتیکی است و باعث می‌شود این نظام، تبدیل به نظامی سایبرنتیکی از نوع ۴ شود که بازوهای اجرایی بیشتری در تعامل با محیط یک نظام وجود دارد. بررسی سایبرنتیکی «آتش به اختیار» دارای بعد دیگری نیز هست که مبتنی بر مفهوم میل به بی‌نظمی و میل به فنا(انترویی) بیان می‌شود. یک سیستم یا نظام (تمام عوامل موجود در این سیستم یا نظام) همواره میل به بی‌نظمی دارند و بی‌نظمی عامل اساسی در نابودی یک نظام سایبرنتیکی است. در صورتی که عوامل اجرایی خودمختلار (مخاطبان «آتش به اختیار» فرمایشات مقام معظم رهبری) در راستای منش و اهداف تعیین شده نظام حرکت نکنند و ویژگی نظارت، کنترل و راهبری مناسب و کافی بر کنش‌ها و عملیات‌های صورت گرفته آنها صورت نگیرد، می‌تواند منجر به افزایش بی‌نظمی (انجام اقدامات خلاف هنجار و قانون) شود که این می‌تواند آسیبی جدی برای هدف تعیین شده باشد. نتیجتا می‌توان ۲ نکته و الزام کلیدی «آتش به اختیار» مبتنی بر مفاهیم و اصول سایبرنتیک بیان کرد: «خود مختلاری مبتنی بر منش» که معادل عبارت «آتش به اختیار با بصیرت انقلابی» می‌تواند از آن نام برد و «الزام کنترل و راهبری توسط مراکز کنترل».

- نتیجه‌گیری بحث

«آتش به اختیار» رویکردی متعالی است که می‌تواند منجر به تکامل شدید یک نظام اجتماعی شود و در صورتی که به صورت کنترل شده و هدایت شده و در راستای حدود، اهداف تعیین شده و با کنترل و هدایت توسط مرکز کنترل و راهبری آن نظام اجتماعی انجام شود.

مذهبی ایجاد کرده است. دسته‌ای از خشک‌مقدس‌های سطحی‌نگری که به خیال خود با انفعال و دوری از قول و عمل سیاسی، حساب خود را از نظام جدا کنند و ذهن و قلب‌یشان را به کنج عزلتی برده و با پیگیری صرفا احکام فردی، بی‌تفاوت به پیگیری کسبوکار خود مشغول باشند و اینچنین اهلانه و فرمسؤولانه راه سعادت را پیمایند. دسته‌های دیگر عدالت‌طلب خشک مغزی که بی‌توجه به مناسبات مدیریت کشور و مسیر حرکت انقلاب که بی‌شک راهی جز پیمایش از مسیر افکار عمومی جامعه نداشته؛ سرعت حرکت رهبری انقلاب را در عدالت‌گستری نهمسپندیده و به خیال خود پیش‌تازانه به سمت ظهور حضرت(حجت‌رع) بروند و آنچنان عده‌ای فرح با احوال خاصی زمزمه کنند که گویی خبیر خاصی جز آنچه در اختیار همه عالم تشیع قرار داشته، به طور ویژه به آنها ابلاغ شده است. دسته‌ای نیز در انقلابیگری یا عملکردی صرف دچار اختلال شده و گویی همه آیین از ارمان خالی است، همه راه را به واقعگرایی سیاست‌ورزانه تخصیص داده‌اند. اینان گاهی افروشی می‌کنند اساسا فلسفه بحث، مکارم اخلاق بود و مسیر آرمان‌های انقلاب از بداخلاقی و بی‌عقلی و دروغ، نمی‌گذرد؛ حتی اگر به واقع در تشخیص هدف دچار خطا نباشیم. در مجموع به آن دینماری که انقلابی نیست خوشین نیستم و در انحطاط رای و نظر آن انقلابی که با همه لوازمش متدین نیست نشی کنی ندارم. واقعیت اینجاست که #آتش به‌اختیار را در فاز اول به مثابه بازنگری در شیوه زندگی خانواده‌ها و افراد انقلابی از طریق تنظیم و اجرای پروتکل‌هایی به اختیار، فهم می‌کنم. چنانچه قرار است جریان انقلابی هر اقدام فرهنگی تمیزی را به سمتزل مقصود برساند، باید دامن خویش را از مناسبات اقتصادی کدر و مناسبات فرهنگی و اجتماعی واقعی و مجازی رایجی که امروز شاید هم آنچنان نزد این جامعه ضارزش تلقی نشود، برهاند. کار تمیز، صورت و سیرتی تمیز می‌طلبد؛ تا اگر موضوع روشنگری پیرامون فساد بود، جامعه با خونسردی با انگشت اشاره پشت سرت را هم نشان نگیرد. انقلابی باید بکوشد در وهله اول دامزش از آفات سه‌گانه مذکور میرا باشد و بعد از آن، همتش را در کاهش تلفات اینچنینی در جریانش صرف کند. با زمان‌شناسی مومنانه، در تشخیص جبهه اصلی از فرصی به خطا نرود و با تدبیر و عقلانیت، صادقانه، در مطالبه‌گری، مرز خود را با بند و بست‌های سیاسی و اقتصادی روشن کند.

#آتش به-اختیار یعنی انقلابی با استحکام مواضع خود در دامنه ارزش‌ها، با بیان مبانی انقلاب و عمل، اجازه جبهه‌جایی و تقلیل این استحکامات را ندهد و در تبیین این مهم بکوشد که متدولوسوی، مبانی و معنا و نتایج را با خود به ارمنان خواهد آورد، چه بخواهیم چه نخواهیم و چنانچه به بقای و استعالی جمهوری اسلامی می‌اندیشد، راهی نیست جز نظام‌سازی بومی مبتنی بر همه آرمان‌های دین و انقلاب و هیچ‌و چی منزل تنوریکی در این راه نمی‌شناسد، چرا که دال مرکزی جهان‌بینی عمومی و تخصصی‌اش، گفتمان انقلاب اسلامی است.

شنبه ۱۷ تیر ۱۳۹۶

## روزنه

**از پیام ترامپ تا اعتراف کلینتون!**

علی‌اکبر عباسی: بارها گفته شده هرچند ۲ حزب آمریکا در خصومت نسبت به مردم ایران تفاوتی با یکدیگر ندارند اما مشخصه بارز جمهوری خواهان این است که خصومت‌شان را با شفافیت بیشتری اعلام می‌کنند و تفاوت ترامپ و اوپاما نیز همین است. در حالی که ایالات متحده آمریکا خود مولد داعش است، رئیس‌جمهور این کشور اما در پیامی که در واکنش به حادثه تروریستی تهران صادر کرد، به صراحت مردم ایران را مورد اهانت قرار داد و ایرانیان را حامی تروریسم دانست: «تاکید می‌کنیم کشورهایی که حامی تروریسم هستند، خود را در معرض این تهدید قرار می‌دهند که قربانی شری شوند که خود گسترش می‌دهند». این در حالی است که اهانت به ایرانیان منحصر به پیام ترامپ نشد، چرا که بعد از او نماینده کنگره آمریکا نیز در اظهاراتی موهن گفت: «خیرا شاهد حمله به ایران بوده‌ایم. من می‌خواهم این نکته را مطرح کنم و ببینم شما چه فکر می‌کنید؛ آیا این خوب نیست در نهایت کاری کنیم که آمریکا از سنی‌هایی حمایت کند که به حزب‌الله و شیعه‌هایی که برای ما تهدید هستند، حمله می‌کند؟ آیا این اقدام خوبی نیست؟»

تردیدی نیست که داعش را به تنهایی یارای این نیست که حتی همین عملیات کور اخیر را در ایران انجام دهد تا جایی که این واقعیت در پیام رهبر انقلاب نیز نمود دارد. آنجا که ایشان در پیام به مناسبت این حادثه تروریستی به صراحت از آمریکا و آل‌سعود نام بردند: «نتیجه قطعی اینها چیزی جز افزایش نفرت از دولت‌های آمریکا و عوامل آنان در منطقه همچون سعودی نیست». ایشان البته قبل از این نیز بارها نقش حامیان داعش را مورد تأکید قرار داده بودند. به عنوان نمونه در سخنرانی ۳ تاس قبل در حرم مطهر امام خمینی(ره)

نیز بر نقش حامیان داعش به عنوان عامل اصلی رخدادهای تروریستی تأکید کرده بودند: «هرروز عده‌ای در بخش‌های مختلف دنیای اسلام به نام گروه‌های تکفیری و وهابی و سلفی، علیه ایران، علیه شیعه، علیه تشیع، دارند تلاش می‌کنند، کارهای بدی می‌کنند، کارهای زشتی می‌کنند اما اینها دشمن‌های اصلی نیستند، این را همه بدانند. دشمنی می‌کنند، حماقت می‌کنند اما دشمن اصلی، آن کسی است که اینها را تحریک می‌کند، آن

کسی است که پول در اختیارشان می‌گذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه آنها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آنها را انگیزه‌دار می‌کند. دشمن اصلی، آن کسی است که تنخ شکاف و اختلاف را بین آن گروه نادان و جاهل و ملت مظلوم ایران می‌افشاند، اینها آن دست پنهان سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی است. البته از خودمان دفاع می‌کنیم، هر کسسی به ما حمله کند، با مشت محکم ما مواجه خواهد شد، این طبیعی است اما معتقدیم اینها دشمنان اصلی نیستند، فریب‌خورده هستند. دشمن اصلی آن دشمن پشت پرده است، آن دست نه‌چندان پنهانی است که از آستین سرویس‌های امنیتی بیرون می‌آید و گریبان مسلمانان را می‌گیرد و آنها را به جان هم می‌اندازد.»داعش نه می‌تواند به تنهایی عامل عملیات تروریستی تهران باشد و نه توانایی به هم ریختن منطقه و تحریک‌هایی چون سوریه و عراق را در طول ۶ سال اخیر داشته است بلکه همه مصیبت‌هایی که مردم منطقه در طول سال‌های اخیر از سوی تروریست‌های دانش تحمل شده‌اند، همگی با حمایت قاطع و تمام‌عیار آمریکا و برخی از دیگر هم‌پیمانان صورت گرفته است. این واقعیتی است که البته به مذاق آمریکادوستان و بزک‌کنندگان چهره آمریکا در ایران خوش نیامده و رغبتی به پذیرش آن ندارند و در طول سال‌های اخیر نیز بارها سعی کرده‌اند نسبت به آن فرافکنی کنند اما مقامات ایالات متحده خود به وضوح به این مساله اذعان کرده‌اند. به عنوان مثال هیلاری کلینتون، وزیر خارجه دولت اول اوپاما در کتاب خود با عنوان «گزینه‌های دشسوار» پیرامون ایجاد داعش در منطقه توسط آمریکا آورده است: «ما وارد جنگ عراق لیبی و سوریه شدیم و همه چیز بر وفق مراد و بسیار خوب بود اما ناگهان انقلاب مصر در ۳۰ ژوئن رخ داد و همه چیز ظرف ۷۲ ساعت تغییر کرد. من به ۱۱۲ کشور جهان سفر کرده بودم و با برخی دوستان این توافق حاصل شد تا در محض اعلام تأسیس داعش این گروه به رسمیت شناخته شود اما ناگهان همه چیز فروپاشید. توافق شده بود دولت اسلامی [ادعش] در روز ۱۳/۷/۲۰۱۱ اعلام شود و ما منتظر اعلام تأسیس آن بودیم. ما و اروپا هرچه سریع‌تر آن را به رسمیت بشناسیم». این در حالی است که وی حتی در موارد دیگر نیز به طور علنی از اقدامات دولت آمریکا برای ایجاد داعش در منطقه و حمایت از این گروهک تروریستی سخن گفته است.